

درگفت‌وگو با آشوت ملکونیان رئیس آکادمی ملی علوم تاریخ ارمنستان مطرح شد

لزوم بازنگری در روابط ایران و ارمنستان

آشوت ملکونیان، رئیس آکادمی ملی علوم تاریخ ارمنستان و رئیس دانشکده تاریخ دانشگاه ملی ارمنستان، ازجمله استادان دانشگاه در ایروان است که درباره تحولات تاریخی منطقه قفقاز و نیز مناسبات ارمنستان ایران مطالعات زیادی دارد...

صفحه ۴

سرمقاله

غایب بزرگ سیاست



احمد غلامی

باید اعتراضات کارگری را جدی گرفت و قدر آن را دانست، چراکه یکی از معانی اعتراض، حیات یک طبقه و دیگر امید به بهبود شرایط است. طبقه کارگر با آگاهی بر مصائبی که احاطه‌اش کرده است باور دارد یا ناچار است باور کند تنها راه برون‌رفت از وضعیت کنونی، اعتراض و وفاداری است، نه اعتراض و خروج، امید و حیاتی که در طبقه متوسط -اگر پدیده‌ای به این نام هنوز وجود داشته باشد- سال‌هاست که از دست رفته است و ما با طبقه‌ای شناور روبه‌رویم بین بودن و نبودن. طبقه‌ای که در دور دوم انتخابات سال ۱۳۸۴ خلاف باورها و منافعش به احمدی‌نژاد رأی داد. در آن دوران، کانون ستادهای انتخاباتی مرحوم هاشمی‌رفسنجانی با این تصور که طبقه متوسط از جریان اصلاحات و به تبع آن از نماینده مسورد نظر این جریان حمایت خواهد کرد، امید به پیروزی را در سر می‌پروراندند؛ اما خبرهای رسیده از مناطق مختلف تهران حاکی از این بود رقیب در حین ناباوری پیشگام است. در این زمان دل‌داری‌دادن به خود تنها راه چاره برای گریز از تلخی شکست برای اصلاح‌طلبان و حامیان‌شان بود. و این امید چیزی نبود جز دل‌بستن به این تحلیل که طبقه متوسط به دلیل سبک زندگی خود، بعدازظهر برای رأی‌دادن پای صندوق‌های رأی حاضر خواهد شد. بخشی از این تحلیل درست بود و طبقه متوسط در بعدازظهری بهاری زمانی که خورشید در حال افول بود، پای صندوق‌های رأی آمد اما به محمود احمدی‌نژاد رأی داد. مرور این تصورات با تحلیل‌ها بیش از هرچیز بیانگر این است که برداشت اصلاح‌طلبان از طبقه متوسط چیزی شبیه شوخی بوده است؛ شوخی‌ای که هشت سال زندگی ما و تخریب این مملکت را رقم زد. در این شوخی، حقیقتی تلخ نهفته است. شوخی طبقه متوسط، طبقه‌ای که فی‌نفسه به‌عنوان طبقه متوسط ارزشی ندارد. طبقه متوسط باید کاری صورت بدهد تا معنا و هویت یابد. طبقه متوسط زمانی معنا پیدا می‌کند که از منافع خود و منافع دیگر طبقات در وضعیت‌های انسدادی حمایت کند. اما طبقه متوسط ن‌تنها کنشی ندارد، بلکه غایب بزرگ سیاست است. و به همین دلیل باید در مفهوم و معنای طبقه متوسطی که در سیاست ایران رایج شده است شک کرد. همان‌طور که ما در باور به دموکراسی و سرمایه‌داری دچار کژتابی‌هایی شده‌ایم، فهم ما از طبقه متوسط نیز منک از این کژتابی‌های تاریخی نیست. اگر سرمایه‌داری ما رانتی و دولتی است و در قبضه انحصار است و نمی‌تواند به برآمدن طبقه‌ای به نام بورژوازی منجر شود، چرا باید در سیاست به طبقه متوسط دل بست؟ شاید فارغ از طبقات باید به انگیزه‌های دیگری روی آورد، انگیزه‌های فراطبقاتی و منفعتی؛ چراکه طبقات، طبقه متوسط به معنای واقعی آن در جامعه ایران هنوز محقق نشده است. طبقه متوسطی که در سیاست از آن سخن می‌گوییم بیش از هرچیز طبقه‌ای است مبتنی بر درآمد نه خودآگاهی و این طبقه با افزایش و کاهش درآمد معنای وجودی‌اش را از دست می‌دهد و غیرقابل انکاست؛ همان موقعیتی که اصلاح‌طلبان را کمرها کرد.

در این‌مقیاس، طبقه کارگر ایران با همه کاستی‌هایش به‌مراتب خودآگاه‌تر است و به وقت ضرورت می‌تواند با طبقات دیگر هم‌پیمان شود. طبقات فرودست در اکثر دولت‌ها همواره در رنج و مصیقه بوده‌اند و این «در وضعیت حدی بودن» به آنان هویتی انکارناپذیر داده است و از همین‌رو آنان به‌ندرت دست‌خوش سردرگمی و اعوجاج می‌شوند. در جنبش مشروطه برداشت چپ‌ها (کمونیست‌ها) از سرمایه‌داری و طبقه، بعد از کوتای سوم اسفند ۱۲۹۹ به شکل حیرت‌انگیزی مقرون به واقعیت بوده است. در بهار ۱۳۰۲ در زمان برگزاری انتخابات دور پنجم مجلس شورای ملی، تحلیل فرقه کمونیست از ساختار جامعه ایران و نظام سیاسی آن این چنین بوده است: «شکل سیاسی حکومت ایران ظاهرا مشروطه است اما باطنا مملکت دوره فتودالیزمی ملوک‌الطوایفی را طی می‌کند. بیشتر نمایندگان مجلس شورای ملی صاحبان املاک بزرگ بوده بلکه هریک در مملکت خود سلطانی هستند که تنها رأی رعایای ایشان برای وکالتشان کافی خواهد بود. آنها به نیاز حیاتی جامعه ایران یعنی اصلاحات اساسی ن‌تتها بی‌توجه‌اند بلکه با آن مخالفند، زیرا اصطلاحات اساسی که توسعه صنایع و ترقی مشاغل را در پی دارد، با منافع آنان در تضاد است. به‌خوبی می‌دانند که توسعه صنعت، کثرت مشاغل، زادشدن کارخانه، کشیدن خط آهن، سرمایه وطنی و صاحب سرمایه که بورژوازی باشد تولید خواهد کرد... نیروهای مترقی باید کاری کنند که اصول سرمایه‌داری جانشین اصول ملوک‌الطوایفی حالیه بشود. این نظر ما مغایرتی با اصول سوسیالیسم ندارد... برای رسیدن به سوسیالیسم باید تمام سوسیالیست‌ها جدیت بنمایند که موفقیت حاکمیت سرمایه‌داری را زودتر نموده تا به‌زودی بتوانند به مقاصد اجتماعی خود برسند».

ادامه در صفحه ۱۱



شنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۱ • ۵ شوال ۱۴۴۳ • ۷ می ۲۰۲۲ • سال نوزدهم • شماره ۴۲۷۱ • ۱۲ صفحه • ۱۰۰۰۰ تومان

دوری «شهریار» از فوتبال ۳ساله شد

معمای دایی



• عکس: محمدرضا عباسی، مهر

۱۰۹۹ روز گذشته است؛ از آن روزی که عوامل شرکت خودروسازی سایپا در بیانیه‌ای، علی‌دایی را متهم به بی‌احترامی به کارگران کردند و عذرش را خواستند تا همین روزها که همچنان «شهریار» خانه‌نشینی را به حضور در میادین فوتبال ترجیح می‌دهد. مشخص بود که بهانه‌است چون همان‌طور که دایی گفت، او درد کارگران را بیشتر از مدیران وقت می‌دانست.

مشکل فراتر از غم گرانی برپاید بود چون شجاعت دایی گریانش را گرفت و او را از صحنه خارج کرد. روشن گذشته‌ای که نباید فاش می‌شد، دایی را «دور» کرد ولی او می‌گوید «هراسی از کسی ندارد و حرفش را می‌زند». مردی که کریس رونالدو در باب بزرگی‌اش سخن می‌گوید و حرفش نقل صفحات جراید مطرح اروپایی شده، اینفانتینو و شیخ سلمان در فیفا و کنفدراسیون فوتبال آسیا برای دیدنش لحظه‌شماری می‌کنند در ایران از سوی عده‌ای که تفکرات خاصی دارند، نادیده گرفته می‌شود. دایی می‌گوید «می‌دانم که از محبوبیت من می‌ترسند». او در این مدت مدام ثابت کرده ترجیحش این است که کنار مردم باشد؛ دغدغه‌اش برای کمک به زلزله‌زده‌ها، نگرانی‌اش درباره سفره مردم و انتقادات تندوتیزش از رفتار با دخترانی که قصد رفتن به ورزشگاه را دارند ولی با اسپری فلفل روبه‌رو می‌شوند، همگی اراده‌اش را ثابت می‌کند. آیا دایی تاوان شجاعتش را می‌دهد؟

شهر امید

روایت پانزدهمین نماز جمعه شهر امید

نان در ترازوی عدالت



سیدشهاب‌الدین طباطبائی

حجت‌الاسلام منصف در خطبه‌های دوم نماز جمعه شهر امید گفت: در احکام مرتبط با فطره ماه رمضان آنچه برداشت می‌شود، آن است که باید قبل از ظهر عید فطر به دست نیازمندان رسیده باشد؛ معنایش این است که عید نخواهد شد مگر آنکه همه در حد مقدرات برخوردار و شاد باشند. اما متأسفانه در ایام عید فطر، عیدی دولت به مردم اجرای دردناک‌ترین تصمیمات با بدترین شکل ممکن بود. امام جمعه شهر امید افزود: لازم است به سهم خود از هم‌وطنان نجیب و شریف بابت فشارها و سختی‌هایی که این روزها با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند، عذرخواهی کنم. بابت ناکارآمدی‌هایی که کار را به اینجا کشانده تا امروز مردم دوباره نگران مایحتاج عمومی خود باشند، عذرخواهی می‌کنم. و از آن جهت که هنوز احدی از مسئولان کشور بیش از ارائه توضیح و توجیه بابت وضعیت پیش‌آمده ابراز تأسف نکرده‌اند، شرمسار و متأسفم. لازم است تذکر بدهم این مردم همان مردمی هستند که ولی‌نعمت مسئولان خوانده می‌شدند. مردمی که بی‌هیچ تقصیری باید تاوان قصور ما در اداره کشور را بدهند.

حجت‌الاسلام منصف در ادامه گفت: لازم است این روزها حداقل به وظیفه خود از این‌تربیین که تنها بیان واقعیت و درد مردم و همدلی و همراهی با آنان است، درست عمل کنیم. نه آنکه با مقایسه‌های نادرست و حرف‌های بیهوده و ملال‌آور نمک بر زخم

نوشته‌ای از احمد مسجدجامعی

یادی از دکتر آیینوند ستاره‌ای که خاموش نمی‌شود

دکتر صادق آیینه‌وند از هم‌دوره‌ای‌های ما در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در دهه ۵۰ بود؛ دهه‌ای که فضای دانشجویی، بسیار پراشتاب و در عین حال پر نشاط و دوست‌داشتنی بود. در این‌سو و آن‌سو، هسته‌های مطالعاتی و گفت‌وگوهای اندیشه‌ورزانه جریان داشت. مصر در آن سال‌ها مرکز تحولات پرشتاب جهان عرب بود و برخی مبارزان ایرانی در آنجا دوره «آموزش‌های چریکی» می‌گذراندند...

صفحه آخر

پرونده کوتاه «شرق» در مورد معضلات اقتصاد نان و در دسرهایی که گریبان مصرف‌کننده را گرفته است

آرد خاکستری

گزارش تیتربک را در صفحه ۵ بخوانید

گفت‌وگو با **داریوش مهرجویی** به بهانه اکران فیلم «لامینور»؛ نمایی نزدیک از موسیقی و زنان موسیقی در ذات ماست



۱۱

یادداشت روزنامه‌نگاران

۱۰ نکته درباره ماجرای پرستویی



افشین امیرشاهی

نمایش فیلم «داستان‌های هزار و یک روز» در شهر لس‌آنجلس آمریکا با حاشیه‌هایی همراه شد. برنامه‌ای که با حضور پرویز پرستویی، گوهر خیراندیش و زینب احمدزاده (به نمایندگی از پدرش) برگزار شد. همان ابتدا و هنگامی که گوهر خیراندیش برای حضور در سالن کوچک نمایش از ماشین پیاده می‌شود، عده‌ای با داد و فریاد به این هنرمند باسابقه می‌تازند و شعار شرم بر تو می‌دهند. گوهر خیراندیش می‌ایستد تا به اعتراض‌ها پاسخ بدهد. محرف معترضان همراهی پرویز پرستویی با سردار قاسم سلیمانی است. اما خیراندیش فرصت پاسخ‌دادن پیدا نمی‌کند. معترضان صدایشان را تا جایی که می‌توانند بلند می‌کنند و می‌کوشند خیراندیش را مقهور خود کنند. هرچند او برای دقایقی می‌ایستد و با معترضان هم‌کلام می‌شود. اما حرف‌های آرام او مقابل فریادهای یک گروه هماهنگ راه به جایی نمی‌رد. داخل سالن نمایش هم اوضاع بهتر نیست. شخصی به نام سام (احسان) رجبی، ورزشکار ایرانی مقیم آمریکا و عضو سابق تیم ملی جودو که اکنون به یک فعال شبکه‌های اجتماعی تبدیل شده است، از پرستویی انتقاد می‌کند؛ نحوه انتقاد او و پرسش‌هایش روی اعصاب می‌رود. او به جای پرسش، بیانیه صادر می‌کند، وقتی نوبت پاسخ‌گویی پرستویی می‌رسد، با او مشاجره می‌کند و در پایان نشست دوباره سوراخ او می‌رود و با لحن و تلاش خاصی مزاحمت ایجاد می‌کند، به این بهانه که قصد پرسشگری دارد. در تمام مدت نیز در حال فیلم‌گرفتن از پرویز پرستویی است. در نهایت موفق می‌شود کاسه صبر پرستویی را لبریز کند. او ضربی‌ای به مچ دست سام رجبی وارد می‌کند و موبایل او روی زمین می‌افتد. جودکار سابق به بیمارستان می‌رود و ادعا می‌کند دچار ضربه جسمی و روحی شده است. درباره اتفاق پیش‌آمده چند نکته قابل طرح است.

۱- پرویز پرستویی در این گفت‌وگو نتوانست تمرکز خودش را حفظ کند، تلاش کرد پاسخ‌گو باشد و طرف مقابل را قانع کند؛ اما کسی که سؤال می‌کرد، برای قانع‌شدن نیامده بود. او قرار نبود قانع شود. پرستویی نتوانست این مطلب را درک کند، پس به جالش با او پرداخت و وارد بازی سام رجبی شد. نتیجه هم حرکت اشتباه پرستویی بود و بازتاب‌های فراوانی که پیدا کرد.

۲- پرویز پرستویی یک هنرمند باسابقه، شخصیت فرهنگی و فعال اجتماعی است که سرمایه اجتماعی قابل قبولی دارد. او موظف است شأن و منزلت خودش را حفظ کند. برخورد فیزیکی توسط او به هر دلیلی هم که باشد قابل پذیرش نیست.

۳- تیم هنرمندانی که به آمریکا سفر کردند، باید وضعیت احتمالی را پیش‌بینی می‌کردند و برای مواجهه با چنین شرایطی آماده می‌شدند. به نظر می‌رسد هنرمندان کمتر از مشورت دیگران استفاده می‌کنند. برای چنین سفری می‌توانستند پرسش‌های احتمالی را در نظر بگیرند و برای هرکدام پاسخی مناسب تهیه کنند. حتی می‌توانستند پاسخ‌هایشان را به شکل مکتوب و رسمی منتشر کنند. دنیای امروز به حدی پیچیده شده که هنرمندان مشهور به‌تنهایی قادر به مدیریت فضای اطراف خود نیستند.

ادامه در صفحه ۲

۴دهه پذیرش **مهاجران افغانستانی** بدون هیچ سیاست مشخصی در زمینه مهاجرت!

شهروندان نامرئی

۶

ژست سیاسی

«شرق» تعامل سیاسی دولت با احزاب را بررسی کرد

۲

ایلان ماسک از جان توییتر چه می‌خواهد؟

سحر طلوعی: حالا دیگر اغلب کاربران شبکه‌های اجتماعی خاصه توییتر می‌دانند ایلان ماسک، ۴۴ میلیارد دلار نقد داده و توییتر، این پلتفرم اجتماعی را صاحب شده است. اما پرسشی که این روزها میان کاربران این شبکه اجتماعی رایج است، صحبت درباره چرایی این خرید است؛ چرا ایلان ماسک باید این میزان پول نقد بدهد و شبکه اجتماعی توییتر را با بیش از ۲۱۶ میلیون نفر کاربر بخرد؟ چرا ثروتمندترین مرد جهان باید بیش از ۱۲.۵ میلیارد دلار وام بگیرد تا صاحب توییتر شود؟ یا چرا صاحب شرکت خودروهای برقی تسلا باید بیش از ۱۶ میلیارد دلار از سهام خود را در این شرکت واگذار کند و پلتفرمی را که کسی دیگر راه انداخته، بخرد؟ علت اقدام ایلان ماسک برای خرید توییتر چندان واضح و روشن نیست. افراد آشنا به حقایق و روحیات ماسک بر اساس اظهارات گذشته این شخصیت، پیش‌بینی و تحلیل می‌کنند که ماسک با خرید پلتفرم اجتماعی توییتر، دو هدف عمده را دنبال می‌کند؛ یکی بیرون‌انداختن کاربران با هویت‌های جعلی و ربات‌ها و در عوض اعتباردادن به کاربران حقیقی و دومی گسترش‌دادن ظرفیت آزادی بیان پلتفرمی مثل توییتر.

این گزارش را در صفحه ۸ بخوانید

فرسخی تشخیص می‌دهند. لازم است آقایان مسئول درباره صادقانه صحبت‌کردن با مردم آموزش ببینند و اگر ناتوان و ناکارآمد هستند، بی‌هیچ ملاحظه و تعارف کنار گذاشته شوند.

حجت‌الاسلام منصف با اشاره به برخوردهای اخیر با برخی معلمان معترض گفت: از رئیس محترم قوه قضائیه که در مدت تصدی خود با تصمیمات امیدوارکننده نشان داده‌اند به دنبال ایجاد تحولات اساسی در این قوه هستند، درخواست می‌کنم تذکر جدی بدهند. معلمان شریف و زحمتکش‌کی که تنها به دنبال بیان مطالبات و دغدغه‌های صنفی و تحقق عدالت هستند، شایسته چنین برخوردهایی نیستند. مگر خواسته معلمان جز رفع تبعیض و اجرای عدالت بوده و مگر یکی از اهداف مهم نظام جمهوری اسلامی تحقق عدالت نبوده و نیست؟

امام جمعه شهر امید در پایان افزود: فراموش نکنیم نمی‌توان عدالت را جاری کرد مگر آنکه حقوق مردم به رسمیت شناخته شود و حقوق‌شان به رسمیت شناخته نمی‌شود مگر آنکه بتوانند آزارنده این حقوق را بیان کنند.

شاید آخرین قدم برای ایجاد نظم و امنیت، برخوردهای این‌چنینی باشد. خیرخواهانه عرض می‌کنم برقراری نظم و امنیت لزوماً عدالت را محقق نمی‌کند؛ اما قطعاً اجرای عدالت نظم و آرامش برقرار می‌کند. نمی‌شود فقط برای آسان‌شدن حکمرانی خواهان برقراری نظم و امنیت بود؛ باید خوب مدیریت کرد، آن وقت نظم هم در بالاترین شکل آن محقق می‌شود.

از خداوند بزرگ توفیق‌مان در خدمتگزاری به این مردم صبور و نجیب و همچنین خدمتگزاری واقعی به آزادی، حقیقت و عدالت را تاب‌آوری در برابر گرانی کالاها یک طرف، تحمل شنیدن بعضی حرف‌ها و دلایل برای گرانی‌ها هم یک طرف. مردم دروغ را از صد